

OCTOBER

۱۰۹

اکتبر

۱۲ مهر ۱۳۸۵ ۴ اکتبر ۲۰۰۶ دبیر کمیته کردستان: حسین مراد بیگی (جمه سور)

سردبیر: عبدالله شریفی

## حزب حکمتیست و کنگره علنی!

علنی گرفته است و حق دخالت در این تجمعات حزبی و در عالیترین ارگان خود را به همه داده است. تا قبل از تصمیم کمونیستها برای برگزاری کنگره علنی، در جامعه کسی نمیدانست که احزاب "چپ" و راست چگونه رهبری خود را انتخاب میکنند، سیاستهای خود را چگونه تصویب و یا تغییر میدهند و شخصیتها و چهره های آنها چه کسانی اند. اگر پس از سنت برگزاری کنگره علنی توسط منصور حکمت، برخی از احزاب چپ و یا راست ناچار شده اند خود را بخشا بطور علنی در مقابل قضاوت جامعه بگذارند، این را باید مدیون کمونیسمی بود که منصور حکمت در صحنه سیاست جامعه ایران مطرح کرد. و این دستاوردی است که باز پس گرفتنش ساده نیست.

علنی گرفتن کنگره، یک حرکت و سنت سیاسی کمونیسم ما است. شرط تبدیل کنگره علنی به یک اقدام و حرکت سیاسی موثر، ربط مستقیمی به اوضاع جامعه، موقعیت حزب در آن، به فعالیت های حزب در یک دوره معین و چگونگی رابطه مصوبات و تصمیمات خود کنگره با جامعه

صفحه ۳



مهجد حسینی

اولین کنگره حزب حکمتیست، در روزهای ۲۱ و ۲۲ اکتبر در آلمان تشکیل می شود. این کنگره را، علنی می گیریم تا مردم مستقیماً نظاره گر چگونگی کنگره یک جریان کمونیستی خلاف جریان باشند، امکان ارزیابی و قضاوت از حزب را به همگان داده باشیم، حزب را بیشتر در دسترس عموم قرار دهیم و زمینه های ساختن حزب سیاسی اجتماعی را تقویت کنیم مبتکر سنت کنگره علنی، منصور حکمت بود. اولین بار، با علنی گرفتن کنگره سوم، با دعوت رسمی از تمام جریانات راست و چپ برای شرکت در آن، ذهنیت فرهنگ سیاسی چپ ایران که همواره در دوا بر بسته، به خود مشغول بود، به تحرک سراسریمه ای در آمد. همراه با جریانات راست به مانسرا گفتند، نیش و کلاه زدن و به جای استقبال از دعویشان به کنگره، شرکت در آن را بلیکوت کردند. حزب و جنبش ما تا حالا چنین کنگره و کنفرانس

## در صفحات دیگر

اعتراض مداوم و پیگیر رانندگان تاکسی برای افزایش سهمیه بنزین، رژیم اسلامی را وادار به عقب نشینی کرد  
(کمیته کامیاران حزب)

تجمع اعتراضی رانندگان در سنندج و عقب نشینی

رژیم

(کمیته سنندج حزب)

در یک جواب کوتاه و در درجه اول مساله پراکندگی، ناروشنی و اغتشاش در بین فعالین سوسیالیست و کمونیست است. معضل اصلی در درجه اول نداشتن تسلط نفوذ لازم و راه حل روشن این فعالین سوسیالیست در میان کارگران برای اتحاد و تشکیل آنها در سطح سراسری است. امری که در حال حاضر معضل کارگران و فعالین کمونیست و چپ است.

خفقان و استبداد نمیتواند پاسخ دقیقی برای این مشکل باشد، برای کارگران و مردم مبارز در همه جا این شرایط وجود دارد. این رژیم و سرمایه داران فقط در چنین وضعیتی قادر به بقا هستند و این شرایطی است که وجود دارد ولی مانع اصلی نمیتواند باشد. مساله در نحوه برخورد و روش هایی است که ما و فعالین کارگری بعنوان دست اندرکاران اصلی این جنبش اتخاذ میکنیم. همین یک سال گذشته تجارب مختلف در این شهر را اگر بررسی کنیم به نتایج روشنی میرسیم و چنانچه در



گفت: ( اظهارات "رهبر یک قبیله" در خارج، بر تصمیم ما برای مبارزه با تروریسم تأثیر نمیکند). منظور مقامات دولتی ترکیه از مبارزه با "تروریسم" اشاره به جنگی تبلیغاتی است که حول برخورد با "پ ک ک" در جریان است. اوجلان از زندان به نام پ ک ک اعلام کرده است که بطور یک جانبه اعلام آتش بس میکند. در همان حال یکی از مقامات برجسته نظامی از وزارت دفاع آمریکا که گفته میشود کارشناس "مبارزه با تروریسم" است به تصمیم مقامات ترکیه برای هماهنگی و هدایت برنامه ژاندارمهای ترکیه در ریشه کن

صفحه ۴

## کارگران در سنندج و معضل تشکل!



اسد گلچینی

تمایلات سیاسی مختلفی که وجود دارد بسیار متفاوت است. نسل جوانی از کارگران در کنار پیش کسوتان وجود دارند که بی تجربه اند، و احزاب سیاسی و گرایشهای مختلف متفاوتی وجود دارد و راه های پیشنهادی خود را تبلیغ و پراکنک و در میان آنها بدرجات مختلفی نفوذ دارند. همه اینها آشفتگی خاصی را به این مبارزات و فعالیت برای متشکل کردن و سازمان دادن کارگران داده است و متاسفانه اغتشاش و پراکندگی را دامن زده است. این وضعیت را باید شناخت و با چشم باز و واقع بینی آنها را دید و تلاش کرد تا راه حل کارگران سوسیالیست را به نیروی غالب در جنبش کارگری و به نیروی جدی و تکان دهنده در مبارزه کارگران از جمله برای تشکل یابی تبدیل کرد.

معضل اصلی در اتحاد و تشکل کارگران چیست؟

وجود تشکیلات کارگران چه در محل های کار و چه در سطح شهر، یک مشغله دائم کارگران کمونیست، پیشرو و همچنین فعالین سیاسی در سنندج بوده است. در سنندج اکنون و همچون گذشته، تلاش نسبتاً بالایی برای داشتن تشکل کارگران و اتحاد در میان کارگران صورت میگیرد. این دوره را میتوان با فعالیت دوران اول شکل گیری اتحادیه صنعتگر مقایسه کرد. اکنون مبارزات کارگری در ابعاد بیشتری وجود دارد و اوضاع سیاسی در جامعه بهر لحاظ پیچیده تر شده است. وضعیت در میان پیشروان کارگری به نسبت روشها و

## مردم کردستان عراق بر سر دو راهی دخالت هوشیارانه یا ادامه دنباله روی از ناسیونالیسم کرد؟



ایرج فرزاد

iraj.farzad@gmail.com

بودولتهای همسایه در اوضاع داخلی عراق دخالت میکنند، بار دیگر وضعیت نامشخص و سرنوشت مبهم زندگی مردم در کردستان عراق را به جلو صحنه راند. عبدالله گول، وزیر خارجه ترکیه گفته است "جلال طالبانی باید در اظهاراتش احتیاط بیشتری بخرج بدهد"، طیب اردوگان نخست وزیر ترکیه گفته های طالبانی را "زشت" نام گذاشت و وزیر دادگستری ترکیه هم در این باره

در این روزها عکس العمل از موضع "صاحبخانه" بالاترین مقامات دولتی ترکیه در باره یک اظهار نظر جلال طالبانی که گفته

## در کنگره اول حزب حکمتیست شرکت کنید!

کنگره اول حزب حکمتیست، روزهای ۲۱ و ۲۲ اکتبر در آلمان، بصورت علنی برگزار میشود!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



این صورت مساله بسیاری از فعالین چپ و کمونیست با هر گرایشی که دارند، بتوانند برای متحد کردن کارگران و مساله تشکل یابی شان به توافق برسند. قسمی جدی را برداشته ایم ببینید، مشکل خفقان که باعث نشده است ده ها نفر از کارگران و رهبران شان هر وقت که بخواهند دور هم جمع شوند و در مورد مشکلات و معضلات پیششاروی مبارزه و زندگی شان تشریح مساعی کنند و بحث کنند و تصمیم بگیرند که چه کاری بکنند. معضل خفقان نیست که کارگران و فعالینی سیاسی برای تدارک اول ماه مه ۸۵ در سندان قبل از هر تلاشی برای اتحاد کارگران و ایجاد صفی قدرتمند، در تلاش برای حذف دیگرانند و اعلام میکنند که به جریانات معینی اجازه نمیدهند در فعالیت های آنها شریک شوند و منتها طول میکشد تا این حرکت ضد کارگری را خنثی کرد و بسیاری را متوجه آن کرد. معضل خفقان که موجب نشده است که همین رفقا بنشینند و در برابر تعرضی که امروز به هر کدام از کارگران در کارخانه های مختلف صورت میگیرد راهی برای هم سنگر شدن با آنها بیابند، مشکل خفقان همچنین باعث این نشده است که کارگران تصمیم بگیرند برای بیمه بیکاری و یا کار، تجمع داشته باشند و فکر بکنند و هینطور این معضل باعث نشده است که در برابر جیره بندی بنزین و در حالی که حدود ۴۰ نفر از فعالین مبارزه برای لغو سهمیه بندی بنزین جمع میشوند و قرار است سازماندهی این اعتراض را انجام بدهند بدلیل اساسا سیاسی و مقدم کردن منفعت سکتی و حزبی فلج شوند و عملا تصمیم به لغو هر نوع اقدامی بکنند و ...

مشکل اصلی در این است که خیلی از دست اندرکاران این عرصه ها و اتوریته های کارگران چه بصورت جمعی و چه فردی به مبارزات کارگری همچون آکسیون سیاسی و یا فعالیتی مقطعی و آنی مینگرند. این شامل حال همه ماست. همه فعالین و دست اندرکاران و همه فعالین کمونیست و چپ، اعم از حکمتیست و کومه له ای و هر نیروی دیگری که دخیل است به این ویروس آلوده اند. آنهایی هم که نمیتوانند این را هضم کنند و قبول ندارند در حاشیه اند و در واقع برسمیت هم شناخته نمیشوند چون در این سیستم فکری کاری از دست آنها ساخته نیست و به

اغتشاشات و پراکنگی و نامنجم بودن کنونی را بشناسد و به آن جواب بدهد. در واقع هم اکنون و بیش از ۲۰ سال که گذشته است مبارزات کارگری در ابعادی بر مراتب وسیعتر و با کیفیت تر وجود دارد، اما تشکل کارگری در سطح شهر که بتواند بسیاری و یا بخش های مهمی را نمایندگی کند در همان سطح سابق است. سوال این است که چرا این گونه تشکل کارگران در این شهر در ابعادی که مبارزه کارگری و حرکات کارگری وجود دارد نمیتواند وجود داشته باشد؟ برای این باید فرهنگ کارگری و سوسیالیستی از هر نظر تقویت و منسجم شود.

#### چه باید کرد؟

تشکل کارگران از درون مبارزات رشد میکند و درست میشود. هر تصویری خارج از این در بهترین حالت کم ربط به مبارزه کارگران در مراکز کار و در جامعه است. به نمونه های زنده و مرده تالکونی شبیه کمیتته های پیگیری و هماهنگی و جمعی از کارگران پیشرو و یا پیشتاز فلان شرکت و کارخانه نگاه کنیم این تجارب که بدون تردید تلاش هایی برای متحد کردن کارگران است، حال با هر هدف درست و یا غلطی، نتوانسته است حتی یک مورد پیشبرنده یک مبارزه موفق یا ناموفق کارگران در مرکزی و شهری شود. اینها در بهترین حالت تجمع فعالین و پیشروانی هستند که برای کارگران میخوانند کاری کنند اما نه تشکل کارگری اند و نه کارگران آن را در زندگی و کارشان احساس میکنند. سرمشق قرار دادن این نمونه ها تکرار اشتباه است. تفکر و روشی بی ربط است. بویژه در سندان میتواند ادامه فعالیت های آکسیونی باشد که گرایشی قوی است و سازماندهی و فعالیتی است از این حرکت به آن حرکت، از این مراسم به مراسم بعدی، و در فواصل آنها کارگر در جایی نه نمایندگی میشود و نه در اعتراضاتی که دارد این برپا کنندگان آکسیون را در کنار خود دارد. تشکل کارگری چه در یک مرکز و یا چه در سطح شهر بی تردید ادامه مبارزه و تصمیم آگاهانه کارگران و رهبران شان برای متکی کردن مبارزات به قدرت بیشتر و سازمان یافته است. هر تشکلی که هم اکنون هم پا بگیرد چنانچه این خصوصیات را نداشته باشد و چنانچه کارگران آنرا در اعتراض و مبارزات نشان نتوانند ببینند تولدش باز هم در اغتشاشات میفرآید. آنها یکی دیگر از کمیتته

ها و سازمانها و تشکل هایی خواهد بود که وجود دارند. باید از اینگونه راه حل ها اجتناب کرد. به این ترتیب هر تشکل کارگری هم باید واقعا از خود کارگران باشد. رهبران و فعالینشان از خود کارگران باشند، معلوم باشد نماینده و رهبر کدام بخش از کارگرانند و چگونه این نمایندگی بهنگام هر اعتراض و مبارزه و کشمکش معنی دارد. تشکل کارگران را خود کارگران میسازند. مثلا فرض کنید شما آکسیونی را برای ۸ مارس، روز کارگر و ۱۶ اذر ... میخوانید سازمان بدهید. این آکسیون میشود همه کسانی را شامل شود که میخوانند برای این روز کاری کنند و در کنار کارگران باشند، هر فعل سیاسی و اجتماعی را میتواند شامل شود همانطور که تالکون بوده است و خیلی هم درست است. اما فعالیت برای سازمان دادن اتحاد کارگران در تشکلشان اینگونه نیست. این تشکل ها باید ادامه منطقی مبارزه و اعتراض کارگران و زبان حال آنها باشد. بخشی از زندگی آنها خواهد شد. در حالی که آکسیونی کارگری و یا هر آکسیون دیگری حرکت معینی را نمایندگی میکند و در فرای آن همه سراغ کار و زندگی شان میروند. مادر سندان بار ها و سالهای زیادی شاهد این بوده ایم که در روز های غیر آکسیون کارگر باید تک و تنها و ضعیف در مقابل کارفرما و دولت تن به هر اجباری بدهد و این سوال در برابر هر کمونیستی و هر کارگر سوسیالیستی قرار میگیرد که آیا تشکلی که میخوانیم بسایزیم اتحاد کارگران و زندگی آنها را نمایندگی میکند و یا اعتراض یک روز و یا یک ساعت آنها را؟ مگر اتحادیه کارفرمایان را منشی های آنها و یا همسایه هایشان و دوستان کلوبهایشان میتوانند تشکیل دهند؟ نه این ممکن نیست، ولی این اتحادیه کارفرمایان میتواند هر وقت بخواهد همه آنها را بخطر کند و به حمایت خود جلب کند. تشکل کارگران هم همینطور است. تشکل کارگران در ادامه مبارزات معینی است که دارند. در پاسخ به درد های معین و معضلات متعددی است که با سرمایه دار و رژیم حامی آنها دارند. دیگر نمیتوان ترکیب آن آکسیون ها را برای این هم جمع کرد و نام آنرا تشکل کارگران گذاشت. کاری که متاسفانه تامل به آن کم نیست و بر حرکت کارگران و فعالیت هایشان برای این امر سنگینی میکند. اینها نمیتواند روش فعالین کمونیست و

سوسیالیست باشد. ما حکمتیست ها اینگونه نمیتوانیم کارگران و جامعه را به حرکت در بیاوریم و این روش ها روش ما نیست. این را هم باید روشن کرد که پس اگر همه کسانی که میخوانند به کارگران در مبارزه و فعالیت برای تشکل کمک کنند چه کار باید بکنند؟ به نظر من بهترین راه سازمان دادن دیگر عرصه های مبارزه در جامعه است. در مرحله، در مدرسه و دانشگاه و در اداره و هر جایی که حضور داریم یک دنیا کار برای سازمان دادن اعتراضاتی که هست وجود دارد. جوانان و زنان و دانشجویان در هر جایی که هستند سازمان های خود را بسازند و شبکه های ارتباطی قدرتمندشان را ایجاد کنند تا اینکه از این طرق بتوانند هر گاه خواستند به حمایت از کارگران برخیزند. راهش این نیست که در هر تصمیم کارگران برای امری که دارند الزامات تک تک شرکت هم داشته باشند. موضوع تشکل کارگران اینجاست که مناسبترین و منطقی ترین روابط بین رهبران و فعالین و سازمانها و شبکه های مختلف مبارزه ایجاد میشود. فعالین کمونیست و چپ که در محیط های کارگری ایستاد نباید از این غافل شوند. این اجازه میدهد که کارگران و فعالینشان نیز بتوانند به فعالیت مورد نظر خود بپردازند. اینها مشکلات جدی سر راه اتحاد و تشکل کارگریست. گرایش قوی محدود نگر و آکسیونیست چون قادر به درک مبارزه کارگر و زندگی کارگری نیست و مکانیزم مبارزه اش را نمیتواند بفهمد مانع بزرگی است و همانطور که اشاره شد ریشه دار است. راه حل این است که ما و کارگران سوسیالیست اتحاد همه طبقه کارگر و تشکل برای کارگران را با برسمیت شناختن سوخت و ساز های واقعی درون کارگران و قبول این واقعیت ها دنبال کرده و اتحاد و تشکل کارگری بتواند به معنای واقعی توده ای و فراگیر باشد و بر زندگی امروز و فردای کارگران موثر باشد. در سندان ما باید سنتی را پایه ریزی کنیم و قدرتمند کنیم که بتواند این وضعیت را پایان دهد و یا به حاشیه براند. سنت ها و روش های تاکتونی در میان فعالین و پیشروان فعلی دست اندرکار اتحاد و مبارزات کارگری و همچنین فعالین سیاسی که به این امر میپردازند همانطور که گفته شد یا آکسیونی است و یا گرایشی است. و این به کارگران، منافعشان و وضعیت واقعی درونشان بی ربط

## کنگره حزب حکمتیست... از ص ۱

دارد. حزب حکمتیست با فعالیتها و سیاست هایش در طی دو سال گذشته از نظر سیاسی و اجتماعی جلو آمده است. به این اعتبار، کنگره علنی حزب می تواند بعنوان پرچم سیاسی پراتیک نسبتا خوب این دو سال، بعنوان پرچم جریانیه که برای سرنگونی جمهوری اسلامی و حل معضلات آن جامعه به نفع مردم، راه دارد به حساب آید.

با تحمیل جدایی به ما، چپ غیر مسئول جشن قوی تر شدن خود را گرفت، ولی اعتبار اجتماعی ما ضربه خورد، این در حالی بود که خلاء ناشی از فقدان منصور حکمت برای ما و جنبش کمونیستی ضربه غیر قابل جبرانی بود. بعد از آن جدایی، تشکیل حزب حکمتیست بر پایه برنامه، تئوری و سیاست های منصور حکمت، برای ادامه فعالیت هایمان، طبیعی ترین اقدامی بود که بدون طرح هیچگونه سوال و ابهامی در دستور کارهای این حزب قرار گرفت. قوام گرفتن سریع این حزب و دست بکار شدن فعالیت آن بعنوان حزبی مطرح در عرصه های مختلف، مایه تعجب مخالفین بی خبر ما که بدستی این جنبش و سابقه ما و سنت حکمتیسم را نمی شناسند، شد. نام کنگره، کنگره یک است، نام حزب جدید است و اینها محصولات آن جدایی تحمیلی است ما پراتیک کمونیستی سیاسی و نظامی پیوسته نزدیک به سه دهه

را پشت سر داریم در این دو سال علاوه بر سیاست ها و فعالیت خود حزب، عوامل دیگری در اوضاع سیاسی ایران باعث برجسته شدن حزب گردید. با بالاگرفتن مسئله بحران اتمی، جست و خیز جریانات راست پرو غرب و ناسیونالیستها در امید به آمریکا بالا گرفت. این جریانات تلاش کردند جنبش سرنگونی مردم را با چشم نواختن به غرب مهار کنند. ولی حمایت غرب از جریانات قومی و به بن بست رسیدن سیاست نظم نوین و رژیم چینج، بویژه با کارنامه عراق، لخورشان کرد. استراتژی امید به غرب در ابهام قرار گرفت، در این مدت نتوانستند توجه ها را به خود جلب کنند و اکنون دچار رخوت و بی تحرکی اند. در میان نیروهای چپ، حزب کمونیست کارگری و رهبری جدید آن، بطور عینی، با هر سازش و ممانعتی با مذهب، قوم گرایی و ناسیونالیسم و تزلزل و تردد در حاشیه نیروهای راست بورژوائی، به حزبی که کالیبر رهبری جنبش مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی را ندارد، متحول شد. رهبران جدید حکما با نویدن دنباله هر جریان ارتجاعی برای یافتن "انقلاب" و با انقلاب ترونی ایدئولوژیک پشت سر هم و جنگ محافل برای سرکردگی، بدور خود می چرخد.

این وضعیت در میان نیروهای چپ و راست اپوزیسیون فرصتی برای ما باز کرد و در عین حال رسالتی بر دوش ما گذاشت. فرجه

ای پیش آمد که با سیاست روشن و متفاوت خود به جنگ جمهوری اسلامی، جدال قاطعانه با ملی گرایی و فدرالیسم چی ها، و قلدری آمریکا، راه جلوگیری از تکرار سناریوی سیاه در ایران از طریق سازماندهی کنترل محلات و تشکیل گارد آزادی برویم در این فرصت حزب حکمتیست پراتیک نقشه مند و اعلام شده به جامعه را شروع کرد و به جایی رساند که موافق و مخالف ما این را می بینند. سیاستهای کمونیستی و متفاوت ما در رابطه با رویدادهای سیاسی ایران، دارد حزب حکمتیست و آلترناتیو کمونیستی را برای پاسخ دادن به مشکلات جامعه ایران و کسب قدرت سیاسی دو باره طرح می کند. توقع از این حزب در جامعه بالا رفته است. در این دو سال سرخ ها و درچه هایی را در مسیر تبدیل حزب به یک حزب سیاسی و ظرفیت این حزب در این مسیر را نشان داده ایم. ما حکمتیستها مجبوریم علاوه بر جبران ضررات سختی که تحرک چپ غیر اجتماعی بر ما و جنبش ما وارد کرده است، به عنوان نقطه امید مردم و نیروی قابل اعتماد و بی تزلزل در سرنگون کردن رژیم اسلامی و بلور عمیق به انقلاب اجتماعی و به پیروزی رساندن سوسیالیسم، خود را در دسترس مردم ایران قرار دهیم. با وجود اینها هنوز ضعف و اشکالات جدی در عرصه های مورد اشاره و در پیشبرد بقیه برنامه هایمان داریم از خود

راضی نیستیم، آنچه انجام شده است در صد ناچیزی از توانایی کادرها و ظرفیت این حزب را منعکس می کند و بکار انداختن در صد بالایی از نیروی حزب در اولویت رهبری منتخب این کنگره است. خیلی وقتها بنظر میرسد به کار روتین و آرام در این اوضاع متلاطم سیاسی مشغولیم، این را باید چاره سر کرد. سیاست کمونیستی و روشن در هر عرصه ای داریم، اما جنبیدن بموقع و نخلتگری ادامه دار حزب با اوضاع جامعه و تحولات جامعه هماهنگ نیست. در عرصه های تشکیلات خارج، نهادها جانبی و فعالیت نهادهای مختلف حزب هنوز کارهای زیادی پیش رو داریم در سنت ما همیشه کادر و متحد و مقاعد کردن آنها نقطه کلیدی پیشروی حزب بوده است. یکی از ضرباتی که آن جدایی بوجود آورد سایه انخستن بر روی سنت های حزبی و فعالیت کمونیستی و اجتماعی سنت کمونیسم منصور حکمت بود. بدلیل همین ضعف جلو رفتن روزانه حزب به میزان زیادی بستگی به فعالیت روزانه کادرهایش دارد و این بحث قدیمی ماست و از این زاویه کادر و نقش آن در این حزب نقطه کلیدی است. آنچه جدید است بعد از جدایی کادر و جایگاه آن و رابطه فعالیت حزب و بشاش بودن حزب و هم خط بودن حزب به میزان باز هم بیشتری به نسبت قبل به نقش و دخالت امروز و فردای کادرها ربط پیدا کرده است. این در

حالی است که به نسبت دوره حزب قبلی زمان منصور حکمت ما در این رابطه کمتر کار کرده ایم و این را می شود به راحتی چاره جوئی کرد و باید بسرعت دست بکار شد.

کمونیسم منصور حکمت تاریخ بیپوسته ای دارد، کادر سازی و اتکا به کادرهای که این پیوستگی تاریخی و مبنای و سنتهای کمونیسم منصور حکمت را ضمانت کند، یک مصاف پیش روی حزب ماست. کمونیسم منصور حکمت با ویژگی و صفت کارگر از تمامی کمونیسمهای خلقی، ملی و بورژوائی و اردوگاهی باز شناخته شده است. ما موظفیم حزب خود را به عنوان حزب فعالین و رهبران کارگری در راه انقلاب کارگری، و قرار دادن طبقه کارگر در راس مبارزه مردم ایران برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی، بر این سنت دیرین خود متکی کنیم.

آمن و شرکت کردن در این کنگره که به مشکلات و معضلات واقعی در مسیر پیشروی و مشکلات ناشی از رشد حزب میپردازد جالب است و از همه دعوت میکنم این فرصت را از دست ندهند و به این کنگره بیایند.

02 10 2006

مجید حسینی

majid.hosaini@gmail.com

اصلا اینطور فکر میکنم در جنبش کارگری ایران قویترین گرایش، گرایش کمونیستی است. من شخصا استنباطم این است. باقوه قویترین گرایش است. یعنی ماتریال انسانی اش از همه بیشتر است. الان توی سطح رهبری جنبش اعتراضی وقتی که نگاه میکنی. چون تقریبا این جریان است که وقتی مجموعه اعتراضات و مطالباتش را پهلوی هم میگذاری میبینی که تو تصویری از برنامه حزب کمونیستی به آن داده ای. وقتی شما حساب کنید جنبش اعتراض کارگران چیها خواسته و چیها میخواهد و اینها را پهلوی هم ببینید و بگویید این برنامه این رهبران است، یک تعدادشان گفتند آن را بده، یک عدهشان گفتند آن حق را میخواهیم و یک تعدادشان گفتند آن حق را میخواهیم، وقتی پهلوی هم میگذاری، بعد توی احزاب سیاسی دنبالش بگردی، میبینی اینها مصادف میشود با مطالبات حزب کمونیست. نه مجاهدین، نه راه کارگریها و نه لیبرالها. مصادف میشود با مطالبات سنتی کمونیستها. به این معنی این حرکت نیروی فعال جنبش رادیکال کمونیست توی جامعه است. منتها چقدر این هویتش پرداخت شده و روشن شده و برای خود آن فعالین شناخته شده است، این یک بحث دیگری است.

(در مورد گرایشات درون جنبش کارگری از منصور حکمت... به سایت منصور حکمت مراجعه کنید)

وسیعاً موجود است و بالقوه ما قادر به این کار هستیم کاری که میتواند بر جنبش کارگری در ایران نیز تاثیر مستقیم و قابل توجهی بگذارد.

در پایان همه رفقای کارگر و همه کمونیستها و دست اندرکاران مسایل و مبارزات کارگری در سندج را مستقل از هر گرایش و نظری فرامیخوانیم که به این بحث ها بپردازند.

خیلی دور نرویم در همین یک سال گذشته در سندج از اول ماه مه گرفته تا اعتراض کارخانه های مختلف، تا اعتراض تاکسی رانان و حرکت برای متشکل شدن و ایجاد تشکل کارگری این پدیده ها را بروشنی دیده ایم. شناختن و زودن این روش ها و سنت هادر میان فعالین چپ، سوسیالیست و کمونیست، پیش در آمد هر حرکت موفقی برای متحد کردن مبارزه و اعتراض کارگران در سطح سراسری و در سندج نیز هست، جایی که بالقوه این امکان و توانایی

بینند در هر تجمع و اعتراض و تشکیلی او و گرایشش و حزب و گروهش چه اندازه دست بالا دارند و حرکت، مهر چه جریانی را یک خواهد کشید. این تفکری ضد کارگری است. از طرف هر طرف که باشد. ضد اتحاد است و ضد تشکل کارگری است. به درد اصناف و مغازه داران بیشتر میخورد تا مبارزه طبقه کارگر. این گرایشات محصول اعتراض خرده بورژوا هاست. رقابت مغازه دار با مغازه دار بغل دستی است. کارگری و سوسیالیستی نیست.

در منفعتشان نیست که اتحاد خود را فدای گرایشی که دارند بکنند. رهبر کارگر و فعالین پیشرو واقعا به همین اعتبار مبارزه و پیشتاز بودنشان محبوب و قابل احترام اند. کارگران در آنها قدرت و زندگی بهتری را جستجو میکنند. مشکل امروز کارگران آزادی، تشکل، قرارداد موقت، بیکاری و بیمه بیکاری و... است. حزب و گروه و شخصی که این درد ها بر ذهن و فعالیت سنگینی نمیکند نمیتوانند اینها را بفهمد و برایش شانه بالا می اندازد و مترصد این است که

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

## اعتراض مداوم و پیگیر رانندگان تاکسی برای افزایش سهمیه بنزین ، رژیم اسلامی را وادار به عقب نشینی کرد

طبق خبری که به کمیته کامیاران حزب حکمتیست رسیده است بر اعتراض مداوم رانندگان تاکسی در کامیاران که دو هفته است ادامه دارد. سر انجام ماموران محلی رژیم اسلامی مجبور به قبول خواست رانندگان تاکسی شدند و یکی از پمپهای بنزین در کامیاران را به رانندگان تاکسی اختصاص دادند. از این پمپ خودروهای دولتی نیز

استفاده میکنند. مشکل کمبود بنزین برای صاحبان ماشینهای شخصی اما همچنان بقوت خود باقی است. اینها کماکان مجبورند ساعتها از وقت خود صرف گرفتن چند لیتر بنزین و انتظار در صف طولانی بنزین کنند. مردم مبارز کامیاران! یورش جمهوری اسلامی به آزادی و به معیشت روزانه خود را عقب برانید.

معیشت روزانه خود در مقابل جمهوری اسلامی فرامیخواند.

**دبیر کمیته کامیاران حزب حکمتیست**  
ابراهیم باتماتی

**پنجشنبه ششم مهر ماه 1385 برابر**  
**با 28 سپتامبر 2006**

**شماره تلفن 004792831376**  
**batmani\_ibrahim@yahoo.no**

ضامن عقب راندن یورش جمهوری اسلامی اتحاد ماست. اینکار از ما برمیآید. اجازه ندهید که از این بیشتر جمهوری اسلامی آزادی و معیشت روزانه شما را مورد حمله قرار دهد. مقاومت و مبارزه پیگیرانه رانندگان تاکسی در شهر کامیاران یکی از شیوه های عقب راندن جمهوری اسلامی است. دست در دست هم بگذارید. اجازه ندید مزدوران جمهوری اسلامی در صفهای انتظار در مقابل پمپ بنزینها تحقیرتان کنند. کمیته کامیاران حزب حکمتیست همه مردم کامیاران را برای دفاع از آزادی و

## تجمع اعتراضی رانندگان در سندج و عقب نشینی رژیم

۳شنبه ۳ مهر ساعت ۸ شب مسئولین رژیم در سندج اعلام کردند که سهمیه بنزین به ماشین های مسافر کش شخصی از ۲۵ لیتر به ۱۰ لیتر کاهش پیدا خواهد کرد. دیروز چهارشنبه ۴ مهر، ده ها نفر از این رانندگان به این تصمیم شدیداً اعتراض کردند و تجمع اعتراضی در استانداری بر پا کردند. ساعت ۱۱ شب بار دیگر سهمیه بنزین آنها به ۲۵ لیتر تغییر یافت و رژیم عقب نشست.

سازمانیافته ای نشد. روز قبل ۲۵ لیتر سهمیه ماشین شخصی ها ، به بهانه مساله ترافیک، به ۱۰ لیتر کاهش یافت. راننده های زحمتکش در برابر این بی عدالتی مطلق و سود جویانه اعتراض شدید خود را اعلام کردند و امروز ده ها نفر از آنها به طرف استانداری براه افتادند و تجمع کردند. آنها خواهان تحویل ۳۰ لیتر بنزین بودند. این اعتراض موفق شد که سهمیه بنزین ۲۵ لیتر را به راننده های ماشین های شخصی مسافر کش بازگرداند.

مقامات خود رژیم و همکارانشان صورت میگیرد و ماشین های نفت کش از عراق در شهرها دیده میشوند ، بنزین های خریداری شده را به شهرهای عراق میبرند و از این راه در آمد های کلان نصیب خود و شرکایشان کرده و زندگی صد ها نفر از زحمتکشان را با دشواری بیش از پیش روبرو ساخته اند. در شهرهایی که بیکاری به قول خودشان ۲۵ درصد است هر روزه با اخراج کارگران و به غارت بردن دسترنج ها و تعطیل کردن امرار معاش بخور و نمیری که وجود دارد زندگی را تنگ تر و سیاه تر کرده اند. رژیم با برقراری اختناق و سرکوب و محرومیت بیشتر میخواد به بقا خود بیفزاید. اعتراض ، تحصن ، اعتصابات و تظاهرات متحدانه مردم محروم برای

مدتی است که سهمیه بنزین در شهرهای کردستان جاری است. قبلاً برای تاکسی ها ۳۰ لیتر و برای ماشین های شخصی مسافر کش ۲۵ لیتر تعیین شده بود. همه به این سهمیه بندی بنزین اعتراض داشته اند. اعتراضات بسیاری در جریان بود منتها قادر به حرکات متحدانه و

کار، بیمه، آزادی بیان و آزادی تشکل قادر به عقب راندن رژیم از این شرایط وحشیانه است. یک قدم عقب رفتن آنها را باز هم جری تر میکند. باید این حرکت رانندگان درس بزرگی برای همه مردم در بر داشته باشد. متحدانه در برابر هر تعرض آنها به کار و زندگی مردم باید ایستاد. لغو جیره بندی بنزین خواست فوری همه مردم است و برای این باید مبارزه ای متحدانه صورت بگیرد. زنده باد مبارزه سازمانیافته بر علیه استبداد و محرومیت

**کمیته سندج حزب حکمتیست**  
**۵ مهر ۱۳۸۵**  
**۲۸ سپتامبر ۰۶**

## مردم کردستان عراق بر سر دو راهی...از ص ۱

کردن پک ک وارد ترکیه شده است. یکی دیگر از مقامات ترکیه گفته است که پشت اظهارات طالبانی "مساله کرکوک" و سرنوشت آن خوابیده است. در عین حال درست در همین روزها، مقامات پنتاگون از دولت ترکیه بابت اینکه یک ژنرال آمریکائی در خلال یک سمینار در پایگاه نظامی ناتو در پایتخت ایتالیا بر روی یک نقشه، ۱۸ شهر مختلف در ترکیه را به عنوان "کردستان" ترکیه نام برده بود، معذرت خواسته اند. مساله کاملاً روشن است، از منظر مقامات ترکیه و سران ارتش و

ژاندارمهای ترکیه، بحث حول انکار مساله ای به نام مساله کرد در ترکیه دور میزند. اگر نه کرکوک چه ربطی به دولت ترکیه دارد که ساکنین آن برای اینکه تصمیم بگیرند چگونه با یکدیگر زندگی میکنند، پای یک فرمانروم برونند یا نه؟ اما واقعیت این است که بلاتکلیفی وضعیت حقوقی و مدنی کردستان عراق، اشتباهی مقامات دولت ترکیه را برای دخالت در سرنوشت کردستان عراق تحریک کرده است. چرا که همین وضعیت نامشخص، فرصتی به دو حزب حاکم در کردستان عراق داده است تا در لابلای شکافی که دولت ترکیه تحت عنوان "مبارزه با تروریسم پک ک، در منطقه باز کرده است برای گسترش نفوذ محلی

خود بهره برداری کنند. چشم انداز اوضاع در کردستان عراق روشن نیست، و بویژه با تاریکتر شدن دورنمای تشکیل و تثبیت یک دولت مسلط بر اوضاع عراق، احزاب حاکم در کردستان عراق نه شهامت رفتن به پای تشکیل دولت مستقل در این منطقه را دارند و نه چنین تصمیمی با منفعی که از تقسیم دو فاکتو قدرت نصیبشان شده است انطباق دارد. تاووم نامحدود این وضعیت مبهم آرزوی قلبی این احزاب ناسیونالیست است. مردم کردستان عراق در سایه این بلاتکلیفی، فقط شاهد پهن شدن سلطه فرعون های کرد بوده اند. دولت ترکیه به خوبی از این وضع آگاه است به همین خاطر است که با استهزا و تحقیر، ظرفیت و کلیبر آنها را فقط

تا حد "رهبران قبایل" تشخیص داده است. جالب این است که وزیر دادگستری ترکیه گفته است روسای "قبایل" که اکنون دارند از دخالتگر بیهای ترکیه شکه میکنند، خودبازها برای کشاندن پای دولت و ارتش ترکیه به کردستان عراق پیشقدم و پیشقراول و در جنگ با "تروریستهای پک ک" گردان ضربت بوده اند! سوال این است که آیا نباید یک بار دیگر و به وقت و با مسئولیت طرح منصور حکمت برای استقلال کردستان عراق را مطالعه و در راستای اجرای آن به اقدامی جدی روی آورد؟ آیا سرانجام راهی برای ختمه دادن به دخالتگر بیهای خودسرانه دولت و ارتش ترکیه و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی وجود دارد؟ آیا مردم کردستان

عراق نباید برای بدست گرفتن سرنوشت زندگی خود به دورانهایی طولانی از دنباله روی و انتظار از به بار نشستن دیپلوماسی همیشه سری و بند و بستهای پنهان احزاب ناسیونالیست کرد با حکومتهای منطقه پایان دهند و برای خلاصی از این بن بست و دور باطل، که با تاریخی تلخ از آوارگی و قتل عام و انفال در اعماق زندگی شهروندان رسوخ کرده است، نیروی سوسیالیست و آزادیخواه و مدافع انسانیت و مسئول در قبال جامعه را تقویت و حول آن حلقه زنند؟

۳۰ سپتامبر ۲۰۰۶

دستیار سردبیر:

[esmail.waisi@gmail.com](mailto:esmail.waisi@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان:

[h\\_moradbiegi@yahoo.com](mailto:h_moradbiegi@yahoo.com)  
Tel: 0046762737560

سردبیر:

[sharifi\\_abdollah@yahoo.com](mailto:sharifi_abdollah@yahoo.com)  
Tel: 0046704007620

**به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست پیوندید!**